

نقش شاخص‌های فضای زیستی در بهزیستی و ارتقا کیفیت زندگی شهروندان منطقه

۱۲ کلانشهر تهران

چکیده

کیفیت زندگی یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین موضوعات در حیطه تمام پژوهش‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی است؛ به‌طوری‌که بی‌توجهی و شناخت ناکافی نسبت به مسئله کیفیت زندگی و ابعاد و جنبه‌های گوناگون آن اثرات و تبعات آسیب‌زا بر تمام ابعاد و زوایای یک جامعه خواهند داشت. در این پژوهش، هدف شناسایی و سنجش میزان تأثیرگذاری مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت ناکارآمد منطقه ۱۲ شهر تهران در راستای تقویت سطح کیفیت محیط زندگی در این بافت است. با بررسی‌های انجام‌شده مسکن به‌عنوان مهم‌ترین اولویت در کیفیت زندگی ساکنان محسوب می‌شود که این امر می‌تواند علاوه بر تأمین مسکن شهروندان که اغلب گروه‌های کم‌درآمد جامعه، به امر بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری و استفاده از ذخایر و پتانسیل‌های موجود و درنهایت موجب ارتقای سطح کیفیت زندگی در این بافت‌ها شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌هایی مانند توصیفی، به‌کار بردن مدل‌های شامل آزمون تک نمونه‌ای کولموگروف، رگرسیون چند متغیره، پیرسون بهره‌گیری شده است. نتایج نهایی مقاله حاضر بیانگر این است که الگوی مناسب برای افزایش کیفیت زندگی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ تهران بر مبنای کاهش دخالت دولت و استفاده بیشتر از بخش خصوصی و سازمان‌های مردم نهاد است.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی و سنجش میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی در منطقه ۱۲ شهر تهران.
۲. استفاده از توانایی‌ها و پتانسیل‌های موجود در بافت‌های ناکارآمد شهر در راستای افزایش کیفیت زندگی.

سؤالات پژوهش:

۱. خصوصیات کالبدی و کارکردی بافت منطقه ۱۲ و وضعیت اقتصادی-اجتماعی چه نقشی در فرایند افزایش کیفیت زندگی مردم این منطقه دارد؟
۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی اقشار کم‌درآمد (از نظر کمیت و کیفیت) در شهر تهران در چه وضعیتی قرار دارد؟

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، بافت ناکارآمد، بازآفرینی شهری، خط فقر مسکن، منطقه ۱۲ شهر تهران.

مقدمه

مرکز شهر در طول تاریخ کانون توجهات و محل وقایع خاص شهری بوده و همواره به عنوان مهم ترین بخش شهر مورد توجه بوده است، وجه اشتراک تمام مراکز شهری را می توان در مقیاس سرزندگی و کیفیت محیطی آن ها دانست که هریک از آن ها را به مکانی خاص مبدل ساخته است لیکن کیفیات ذاتی این بخش از شهر، برای موفقیت و بازگرداندن زندگی جمعی به آن لازم و ضروری است. کلان شهران شهر با جمعیتی بیش از ۱۳ میلیون نفر، حدود ۱۷/۵۷ درصد از کل جمعیت کشور را در خود جا داده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱). رشد فقر، پایین آمدن سطح رفاه و استانداردهای زندگی و به دنبال آن افزایش بی خانمانی ها باعث گرایش جمعیت به سوی نواحی غیراستاندارد نظیر زاغه ها، آلودگی ها و محله های فقیرنشین گردیده است. در چنین وضعیتی، دستیابی به مسکن مطلوب برای تمام افراد گروه های جامعه یکی از اساسی ترین مشکلات به حساب می آید. چنین وضعیتی در کشورهای توسعه نیافته خیلی وخیم تر است، چون علاوه بر کمبود شدید مسکن از لحاظ تعداد، در نازل ترین سطح استاندارد قرار دارند. توانایی به دست آوردن مسکن در بیشتر شهرهای به سرعت در حال رشد کشورهای در حال توسعه مشکلی جدی است؛ زیرا در این شهرها تعداد واحدهای مسکونی با کسری شدید مواجه است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

داشتن سرپناهی مطمئن که بتوان از شلوغی رنج آور زندگی شهری بدان پناه برد و مهم تر آنکه شبانگاهان در آن از غوغای روز آسوده خاطر شد و سر بر بالین نهاد، نیازی بنیادین و فراگیر است. لیکن علی رغم تأکید دائمی اکثر کشورها به ویژه کشورهای موسوم به جهان سوم بر اهمیت مسکن به عنوان نیازی پایه ای و حقی بنیادین، درصد قابل توجهی از خانوارهای شهری قادر به تأمین آن نیستند. به همین دلیل، مشکل مذکور هر روز حادث تر شده و خانواده های بیشتری دچار بحران مسکن می شوند. معضل مسکن بیشترین فشار روحی و روانی را بر افراد خانواده وارد می آورد، به طوری که می توان اذعان کرد که عامل اصلی بسیاری از مشکلات و آسیب های روانی، اجتماعی و... به علت نداشتن مسکن مناسب و مطلوب است (عزیزی و مولود، ۱۳۹۰: ۳۲). ظرفیت سکونت در شهر تهران باتوجه به افزایش ساخت و سازهای طبقاتی طی ده سال گذشته حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. قشر بندی اجتماعی جمعیت تهران و مناطق پیرامون آن به خوبی رانش گروه های کم درآمد به حاشیه و تمرکز فقر در پیرامون تهران را نشان می دهد. با این فاصله طبقاتی و جدایی اجتماعی، تهران و پیرامون آن نمی تواند محیطی متعارف و با منزلت برای اسکان طبقه متوسط تلقی شود و هجوم اقشار متوسط جمعیت برای اسکان در تهران تداوم خواهد داشت (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۲). از طرفی یکی از جنبه های حائز اهمیت بررسی در شهرها که هم علت و هم معلول بسیاری از معضلات شهری است، بافت فرسوده و ناکارآمد شهری است. باتوجه به نتیجه گیری و بهره گیری هایی که از پژوهش پیش رو مورد انتظار است، پژوهش حاضر، از نوع پژوهش بنیادی و کاربردی می باشد. از بُعد ماهیت، رویکرد اصلی حاکم بر فرایند پژوهش، تجزیه و تحلیل تئوریک است که با در نظرگیری درون مایه پژوهش در مراحل گوناگون، تلفیقی از شیوه توصیفی (برای مطالعه وضعیت موجود) و شیوه همبستگی (برای بررسی ارتباطات میان متغیرهای پژوهش) و شیوه علت و معلولی (علی بهره گرفته می شود.

شیوه پژوهش میدانی (شامل پرسش‌نامه استاندارد شده، مشاهدات سازماندهی شده و مصاحبه‌های ساختاریافته) با هدف تبیین عینی و ریشه‌ای جنبه‌های گوناگون مسئله مورد پژوهش.

نتیجه‌گیری

روند شکل‌گیری دوگانگی و چندگانگی اقتصادی و فضایی در شهرها و مناطق، عموماً به دنبال انقلاب صنعتی در اروپا و سپس شکل‌گیری جریان شبه‌مدرنیته در کشورهای حاشیه‌ای شروع و به مرور تثبیت گردید. در ایران نیز از اوایل دهه سوم قرن بیستم این روند شروع شد که نهایتاً پیشی گرفتن روند سریع شهرنشینی از الزامات این رشد باعث ایجاد و تجمع مشکلات متعدد از جمله فقر، بی‌مسکنی و بد مسکنی در شهرهای ایران گردید. شهر تهران نیز به‌عنوان پایتخت ایران و همزمان مواجه با محدودیت شدید توسعه افقی، جمعیت زیادی از گروه‌های کم‌درآمد را در پهنه خود متمرکز کرد. توزیع جغرافیایی گروه‌های کم‌درآمد در شهر تهران به‌گونه‌ای است که بیشتر آن‌ها در مناطق فرسوده اسکان یافته‌اند. این مناطق شامل بافت‌های قدیمی دارای آثار یا فاقد آثار و نیز محلات دارای اسکان غیر رسمی هستند. نتایج مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در تمامی شاخص‌های مورد مطالعه کمی و کیفی مسکن و محیط (نوع تصرف، سرانه زمین، نوع و مقاومت مصالح ساختمانی، تراکم، تسهیلات و امکانات زندگی و ...) گروه‌های کم‌درآمد شهر تهران دارای وضعیت نامطلوب و نامناسبی نسبت به گروه‌های متوسط و پر درآمد شهر می‌باشند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که خط فقر مطلق مسکن در شهر تهران برابر با ۴۸ متر مربع می‌باشد. همچنین قدرت خرید مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد شهر تهران در وضعیت مطلوب و مناسبی قرار ندارد و شاخص دسترسی به مسکن باتوجه به پس‌انداز خانوارها مطلوب نیست. لذا می‌توان گفت که مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های دنبال شده در زمینه تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد در شهر تهران به‌طور کلی ناموفق بوده و نه تنها بهبودی حاصل نشده است بلکه قدرت خرید و تأمین مسکن در همه گروه‌ها و به‌خصوص اقشار کم‌درآمد و دهک‌های درآمدی پایین جامعه کاهش یافته است. باتوجه به اهمیت مسکن، مطالعه کسری‌های موجود و احتیاجات کلانشهر تهران بیانگر این است که دولت باید به میدان دادن به بخش خصوصی اجازه دهد که به‌صورت مستقیم وارد عرصه برنامه‌ریزی و ساخت مسکن شود و در عین حال، خود نیز نقش نظارتی و کنترلی خود را حفظ کند. در این راستا، یکی از مؤثرترین و کارسازترین استراتژی‌های اجرایی توجه به بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و پتانسیل‌های نهفته در دل آن است که باتوجه به ارزان بودن زمین در این بافت‌ها نسبت به سایر مناطق شهر و هزینه‌های تمام‌شده کمتر گروه‌های کم‌درآمد شهری گرایش بیشتری به سمت آن خواهد داشت. که از سوی گروه‌های کم‌درآمد را صاحب مسکن مناسب می‌کند و هم موجب بهسازی و ساماندهی بافت‌های ناکارآمد می‌شود و سطح کیفیت محیط زندگی را در آن ارتقا می‌دهد.

- امینی، مهدی. (۱۳۸۵). «شاخص‌های کیفیت زندگی شهروندی و نقش و وظایف دولت»، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیران کیفیت، مجموعه همایش‌های بین‌المللی اجلاس، تهران.
- آروین، محمود؛ زنگنه، سعید. (۱۳۹۹). «تحلیل موانع بهره‌گیری از رویکرد توسعه میان‌افزا»، فصلنامه شهر پایدار، شماره ۱، ۸۷-۱.
- پوراحمد، احمد؛ سیف‌الدینی، فرانک؛ پرنون، زیبا. (۱۳۹۰). «مهاجرت و تغییر کاربری اراضی در اسالمشهر»، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره ۲، شماره ۳: ۱۵۰-۱۳۱.
- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، تهران: انتشارات سمت.
- توانا، مصطفی؛ احمدی، بهمن. (۱۳۹۴). «بهسازی و نوسازی بافت فرسوده مرکز شهر ارومیه با تأکید بر توسعه پایدار شهری»، اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران، شیراز.
- ریک ون، پل. (۱۳۹۰). رویکردها و روش‌های سنجش کیفیت محل مسکونی شهری، ترجمه مجتبی رفیعیان و جمشید مولودی، تهران: انتشارات آذرخش.
- عزیزی، مجتبی؛ آراسته، مولود. (۱۳۹۰). «تحلیلی بر رضایتمندی سکونت‌ی در شهر یزد»، مجله نامه معماری و شهرسازی، شماره ۸: ۲۷-۱۹.
- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۳). «جایگاه شاخص‌های مسکن در فرایند برنامه‌ریزی مسکن»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۷: ۴۲-۳۱.
- غفاری، غلامرضا؛ کریمی، علیرضا؛ نوذری، حمزه. (۱۳۹۱). «روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره ۳: ۵۱-۳۹.
- کوکبی، افشین؛ پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). «برنامه‌ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها»، جستارهای شهری، شماره ۱۲: ۲۲-۱۱.
- لطفی، صدیقه. (۱۳۸۸). «مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، دوره دوم، شماره ۵: ۱۵-۶.
- هاروی، دیوید. (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرح حسامیان، محمدرضا حائری، بهروز منادی‌زاده، چاپ دوم، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.